

بازنمود خشونت در آثار تجسمی بین‌النهرین^۱

زینب میرابیان^۲

ابوالقاسم دادور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱

چکیده

آثار هنری زیادی از تمدن بین‌النهرین به‌جامانده است که بیانگر فرهنگ حاکم بر جامعه هستند. مضمونی که در پی آن به بررسی آثار هنری بین‌النهرین پرداختیم، «خشونت» است. از آن‌جا که در بین آثار به‌جامانده از تمدن بین‌النهرین، مخصوصاً آشور، آثاری از این‌دست کم نیستند، بررسی و طبقه‌بندی خشونت موجود در این جامعه، اهمیت ویژه پیدا می‌کند و می‌تواند در تحلیل دقیق‌تر از نقوش به‌جامانده موثر باشد. همین‌طور پاسخ به این پرسش که، از میان خشونت‌های موجود، دلیل بازنمود هنری پیدا کردن تعدادی از آن‌ها چیست؟ یافته‌های این پژوهش خشونت در تمدن بین‌النهرین را به (۱) خشونت علیه حیوانات، (۲) خشونت‌های اجتماعی، (۳) خشونت‌های جنگی، (۴) خشونت‌های روانی، طبقه‌بندی می‌کند؛ که هر کدام از این طبقه‌ها خود شامل چندگونه خشونت می‌شوند؛ و در گام دوم، بیان می‌کند که کدام‌یک از این خشونت‌ها بازنمود هنری بیش‌تری دارند و دلیل این بازنمود را در کدام بخش از اجتماع می‌توان یافت. ناگفته نماند که این پژوهش توصیفی تحلیلی بر اساس داده‌های اسنادی شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: بازنمود هنری خشونت، هنرهای تجسمی، آثار هنری، بین‌النهرین

مقدمه:

بین‌النهرین، یکی از سه تمدن بزرگ دنیای باستان یا همان میان‌رودان و مزوپوتامیای^۱ یونانیان است. هنر در بین‌النهرین بسیار متنوع بوده است؛ اگرچه به خاطر وجود شرایط اقلیمی، مواد اولیه و کمبود سنگ، ممکن است بسیاری از آثار هنری از میان رفته باشند، اما از میان آثار باقی‌مانده، می‌توان به فرهنگ حاکم بر جامعه و شرایط سیاسی و اجتماعی این تمدن پی برد. هنرهایی مانند سفالگری، فلزکاری و حجاری‌های بازمانده از این تمدن، موضوعات متنوعی را در خود جای داده‌اند؛ که البته، از میان این تنوع موضوعی در این پژوهش به بررسی آثاری می‌پردازیم که به‌نوعی بازنمود خشونت موجود در جامعه بین‌النهرین باشند، خواه خشونت علیه حیوانات و خواه خشونت‌های جنگی. از آن‌جاکه، تمدن بین‌النهرین تمدنی خشن خطاب می‌شود، یافتن دلایل این خشونت‌ها و یا حتی مقایسه خشونت آن دوران با تعریف امروز ما از خشونت قابل‌توجه خواهد بود.

آنچه در این مقاله مورد توجه است، جمع‌آوری آثاری با این محتوا در رسیدن به پاسخ این پرسش است که، آیا همه خشونت‌های موجود در جامعه، بازنمود هنری داشته‌اند یا خیر؟ و آیا می‌توان خشونت‌های نمود یافته در آثار را در یک تقسیم‌بندی کلی گنجانند؟ البته، ناگفته نماند که به‌عنوان اولین گام، خشونت را از منظر علمی، مختصر تعریف و طبقه‌بندی کردیم. اگرچه در بین‌النهرین چهار تمدن بزرگ سومر، اکد، آشور و بابل وجود داشته است، اما برای رسیدن به یک کلیت مفهومی از مرزبندی دقیق میان این چهار تمدن پرهیز می‌کنیم؛ بنابراین، در معرفی آثار از پرداختن به جزئیات، معرفی پادشاهان و شرایط سیاسی و اجتماعی دوران آن‌ها اجتناب می‌کنیم.

پیشینه پژوهش

مطالب بسیاری در مورد تمدن بین‌النهرین نگاشته شده است. آثاری که محتوای باستان‌شناسی، سیاسی، فرهنگی و هنری دارند. از بین این آثار، می‌توان به کتاب «تاریخ و تمدن بین‌النهرین» نوشته یوسف مجید زاده (۱۳۸۰)، اشاره کرد. این کتاب در سه جلد تالیف شده است. در جلد اول اوضاع سیاسی، جلد دوم تاریخ فرهنگی-اجتماعی و جلد سوم به بررسی هنر و معماری پرداخته شده است. از دیگر کتاب‌های تالیف شده درباره تمدن بین‌النهرین می‌توان به کتاب «هنر بین‌النهرین باستان» نوشته آنتوان مورتگات (۱۳۷۷)،

که در حیطه باستان‌شناسی است، اشاره کرد. اکثر منابع مورد استفاده این پژوهش، جزو پیشینه این نگارش محسوب می‌شوند؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها به بررسی مضمون «خشونت» پرداخته‌اند. پژوهش‌های بی‌شماری نیز در رابطه با مساله خشونت انجام گرفته است؛ که اکثر آن‌ها، به‌حق، این موضوع را از منظر روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند؛ از جمله این آثار، می‌توان به کتاب «خشم و خشونت» نوشته فرشاد نجفی‌پور (۱۳۸۶)، اشاره کرد که به ابعاد روانی مقوله خشونت پرداخته است. کتاب «خشونت و جامعه» نوشته اصغر افتخاری (۱۳۷۹)، گردآوری و ترجمه مجموعه مقالات با هدف تبیین زوایای مختلف خشونت و تحلیل پیچیدگی‌های معرفتی و اجتماعی آن است. مقالات این کتاب در سه بخش اصلی ابعاد نظری خشونت، آثار سیاسی خشونت و بُعد انسانی خشونت تقسیم بندی شده است. کتاب «گزارش جهانی خشونت و سلامت»، که مطالب آن توسط جمشید کرمانچی، شهرام رفیعی‌فر و مالک افتخاری (۱۳۸۶)، گردآوری شده است. اهداف کلی این گزارش، شامل افزایش آگاهی جهانی در ارتباط با مشکل خشونت، تعیین نحوه پیش‌گیری از خشونت و تبیین نقش حیاتی بخش سلامت در برخورد با علل و عواقب آن است. در کتاب «گزیده مقالات قانون و خشونت» به همت مراد فرهادپور و دستیاران (۱۳۹۲)، مقالات نوشته شده توسط سه تن از متفکران در رابطه با خشونت گردآوری شده است. در کتاب «کالبدشکافی خشونت» نوشته مسعود سفیری (۱۳۷۹)، نگارنده پس از گزارشی درباره فرآیند خشونت در تاریخ جهان و ایران و نمونه‌های بارز آن، با هفت تن از صاحب‌نظران سیاسی به گفت و گو می‌نشیند.

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع اسنادی شکل گرفته است.

بین‌النهرین باستان

این سرزمین امروزه «عراق، شمال شرق سوریه و بخش‌هایی از جنوب شرق ترکیه را در بردارد. مورخان یونانی این نام را به سرزمینی اطلاق می‌کردند که بین رود فرات و شعبه‌های رود خابور قرار داشت» (آژند، ۱۳۹۰: ۱۹۹). البته، پس از گذشت سال‌ها، آن را سرزمینی می‌خوانند که بین رودهای دجله و فرات قرار داشته است.

بر اساس آنچه در کتاب تاریخ هنر باستان آمده است، سرزمین بین‌النهرین در شرق و شمال با کوهستان‌ها محصور بود و در غرب آن، بیابان سوریه قرار داشت. جنوب شرقی آن، شامل جلگه خوزستان تا دهانه خلیج فارس بود. دو رود دجله و فرات از کوهستان‌های ترکیه امروزی سرچشمه می‌گیرند. بین‌النهرین چهار تمدن بزرگ سومر، اکد، آشور و بابل را در خود جای داده است. بنابر آنچه مورد توجه این پژوهش است از ذکر بدیهیات بیش‌تر راجع به موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی بین‌النهرین صرف‌نظر می‌کنیم و به معرفی نقوش تجسمی مرتبط با خشونت می‌پردازیم. البته، قبل از ورود به مطلب برای درک بهتر آثار با محتوای خشونت در بین‌النهرین، باید به عقیده فلسفی مردم توجه داشت.

«در فلسفه مردم بین‌النهرین، سلسله‌مراتب خدایان در آسمان همتای خود را بر زمین داشت و چون خدای آشور فرادست همه خدایان قرار داشت، لازم بود نایب یا نماینده او روی زمین، یعنی پادشاه آشور به همه شاهزادگان سلطه داشته باشد. بنابراین، آنچه به نظر ما قتل و دزدی می‌رسد، برای آنان از لحاظ مذهبی توجیه کردنی بود. دشمنان شاه، دشمنان خدا به شمار می‌آمدند؛ یعنی شیاطین سنگدلی که سزاوار مجازات بودند. بنابراین، هر لشکرکشی آشور اقدامی دفاعی، عملی راهزنانه و جهادی مذهبی بود(رو، ۱۳۸۱: ۳۱۸). بر اساس آنچه در آثار هنری بین‌النهرین قابل مشاهده است، می‌توان این فلسفه را به هر چهار تمدن بین‌النهرین تعمیم داد؛ اگرچه باید در نظر داشت که «آثار سترگ‌نمای هنری بیش‌تر حاکی از قدرت نظامی و دنیایی بود، تا مذهبی(آژند، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

خشونت^۲

اگرچه محتوای خشونتی که در این پژوهش، مورد توجه قرار گرفته، مربوط به دنیای باستان است و می‌توان تفاوت‌هایی را بین ساختار اجتماعی جوامع امروزی در مقایسه با جوامع باستانی برشمرد؛ در گام نخست، بهتر آن است که بدانیم خشونت چیست؟ «سازمان بهداشت جهانی، خشونت را به این صورت تعریف می‌کند: استفاده عمومی از نیروی فیزیکی یا قدرت با تهدید یا تمایل، علیه خود یا دیگری، گروه یا جامعه که موجب بروز آسیب، مرگ، آسیب روانی، ضعف و رشد یا انواع محدودیت‌ها شود. افزودن کلمه قدرت کنار عبارت نیروی فیزیکی محدوده عمل خشونت‌آمیز را گسترش می‌دهد؛ به‌نحوی که موارد

ناشی از یک رابطه توأم با قدرت، تهدید و ارعاب را نیز دربر می‌گیرد»(سازمان بهداشت جهانی ژنو، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲). خشونت را می‌توان به انواع گوناگون تقسیم‌بندی کرد: الف) خشونت فرد علیه خود(خودآزاری و خودکشی)؛ ب) خشونت بین فردی(خشونت خانگی، خشونت اجتماعی)؛ ج) خشونت گروهی(خشونت اجتماعی، خشونت اقتصادی و خشونت سیاسی)(همان: ۳۴).

در زمینه خشونت دو نکته اهمیت دارد: یک) در اکثر موارد، خشونت گروهی توسط گروه اقلیت حاکم بر جامعه و دارای قدرت به‌منظور مقاصد خاص اعمال می‌شود؛ دو) قدرت و نظم ناشی از آن در تقابل با خشونت نیستند؛ مگر درجایی که قدرت و نظم مدعی حمایت، ضمانت و مجاز شمردن آزادی‌های فردی باشند. پس هیچ رفتاری خشن تلقی نمی‌شود، مگر به این سبب که به نظم مستقر یا افرادی را تهدید کند که این نظم می‌باید از آن‌ها حمایت کند یا افرادی که از این نظم دفاع می‌کنند(استیرن، ۱۳۸۱: ۲۷). به زبان ساده‌تر «وقتی از فرد خشن سخن می‌گوییم، منظورمان این است که وی به استفاده و سواستفاده از نیرومندی و زور تمایل و گرایش دارد(همان: ۱۵).

بازنمود خشونت در آثار هنری بین‌النهرین

تمدن سومر یکی از چهار تمدن بین‌النهرین است که در نوشته‌های تاریخی بسیاری از آن به‌عنوان اولین تمدن بین‌النهرین نام برده شده است. «قوم سومر در اواسط هزاره چهارم به بین‌النهرین آمدند و در آنجا سکنی گزیدند»(پارو، ۱۳۹۱: ۱۲۹). آنچه در مورد اصالت آن‌ها، می‌توان گفت، «سومریان قومی غیر سامی از اقوام نخستین نجد ایران بودند که از هزاره چهارم ق. م. حیات روستایی را به حیات شهری بدل کردند و دولت‌شهرهایی چون لاگاش، اریدرو، کیش، بابل و اکد... در جنوب بین‌النهرین از ابتکارات این قوم بود»(آژند، ۱۳۹۰: ۲۱۵). موقعیت اقلیمی جنوب بین‌النهرین از این قرار بود، «دشت آبرفتی مسطحی بین دو رود دجله و فرات را شامل می‌شود. این منطقه خاک بسیار حاصل‌خیز و مستعد برای افزایش بیش‌ازحد تولیدات کشاورزی دارد و از همین رو، نخستین تمدن جهان به تحقیق در همین مکان پایه‌گذاری شد(کرافورد، ۱۳۸۷: ۱۴). به‌عنوان ساکنین نخستین تمدن بشری آن‌ها در شکل‌گیری تمدن‌های بعد از خود تأثیرات چشم‌گیری داشتند. از

دستاوردهای با اهمیت آنها اختراع خط و چرخ سفالگری را می‌توان نام برد که این دو، هرکدام سهم بزرگی در شکل‌گیری فرهنگ تمدن‌های بعدی ایفا کرده‌اند.

در مورد عقاید مذهبی سومریان و البته، ساکنین بین‌النهرین بیان این نکته ضروری می‌نماید که، الویت همیشگی با مذهب بوده است. تمام فعالیت‌های روزمره ساکنین در جهت خشنودی و رضایت خدایان انجام می‌گرفته است. خدایانی از جنس قدرت‌های طبیعی^۳ که بر زندگی و سرنوشت ساکنان و شهر سلطه کامل داشتند. آنچه در مورد این خدایان مهم است و با محتوای این پژوهش ارتباط تنگاتنگ دارد، مشروعیت یافتن همه فعالیت‌های حکمرانان دولت‌شهرها است. «پادشاهان سومری ادعا می‌کردند که به اراده خدایان فرمان می‌رانند» (استیل، ۱۳۹۰: ۱۴). از این عقیده، می‌توان چنین استناد کرد که، عملکرد پادشاهان و حکمرانان دولت‌شهرها از توجیه مذهبی محکمی برخوردار بوده است؛ و احتمال می‌رود که رضایت حکمران شهر رضایت خدایان را در پی داشته است. «بیش از سه هزار سال عقاید دینی سومری‌ها نقش خارق‌العاده‌ای در زندگی شخصی و اجتماعی مردمان بین‌النهرین ایفا کرده است، به رسوم و سنن نهادهای آنها شکل می‌داده است؛ به آثار هنری و ادبی آنها رنگ می‌بخشیده و در کلیه فعالیت‌هایشان از عالی‌ترین رضایت شاهان گرفته تا تعاملات روزمره رعایای آنها رسوخ نموده و اثر می‌گذاشت» (رو، ۱۳۹۰: ۸۷). توجیه مذهبی عملکرد حکمرانان دولت‌شهرها به این نتیجه منتهی می‌شود که بعد از گذشت اندک زمانی آنها «دین و دنیا را در وجود یک فرد متمرکز می‌نمودند» (آزند، ۱۳۹۰: ۲۱۱). این اتحاد باعث می‌شد که ساکنان شهرها از اعتراض به عملکرد حکمرانان بهراسند و آن را مخالف عقیده خدایان تلقی کنند؛ البته، هنگام اعلام جنگ به فرمان حکمران، دشمن را دشمن خدایان بدانند و جنگ و کشتار را یک جهاد تلقی کنند. این چنین برداشتی، باعث می‌شود که یک تمدن با افتخار و غرور از کشتار و خشونت اعمال‌شده، یاد کند؛ به آن ببالد و در جهت ثبت آن بکوشد. اکنون به معرفی آثاری می‌پردازیم که به‌نوعی آشکار یا پنهان حاکی از خشونت موجود در جامعه هستند. در این راستا از بیان جزئیات تاریخی حکومت‌ها و پادشاهان اجتناب می‌شود؛ چراکه ما را از محتوای پژوهش دور خواهد کرد.

یکی از اولین مواردی که می‌توان آن را به‌نوعی با خشونت در ارتباط دانست، کشفیات آرامگاه‌های شاهی در اور است که بیان‌کننده این مساله است؛ «در مناسبت‌های خاص و همراه باشخصیت‌های والامقام، بسیاری از پیروان آنها از هر دو جنس زن و مرد و نیز شماری از چهارپایان با تمام تجهیزات و خدمه آنها در یک گور و در کنار اربابان خود دفن می‌شدند. اعتقاد آنها، ظاهراً، از این تدفین دسته‌جمعی آن بود که، در زندگی دیگر سرنوشت‌شان بدون تغییر در خدمت ارباب ادامه یابد» (استیل، ۱۳۹۰: ۲۱). به بیان دیگر «شاهان سومر همراه با اطرافیان‌شان از زن و مرد به خاک سپرده می‌شدند؛ قربانیان بسیاری در نزدیکی بیش‌تر قبور پیدا شده‌اند؛ باستان‌شناسان و آشورشناسان و مورخان زحمت زیادی کشیده‌اند، تا توضیحی برای این پدیده اسرارآمیز پیدا کنند؛ از جمله مورتگات به آیین وابسته به اسطوره تموز^۴ بر قربانی کردن انسان در خصوص آیین باروری و نو شدن فصل‌ها و قربانی کردن برای احداث یک بنا در مقیاس بی‌نهایت بزرگ اشاره می‌کند» (پارو، ۱۳۹۱: ۱۹۲). اگرچه آثار به‌دست‌آمده از قبور سلطنتی پراکنده هستند و به‌طور ملموس، با خشونت ارتباط ندارند، اما آنها، به‌طور نامحسوس، خشونت اعمال‌شده علیه بردگان و خدمت‌کاران را بیان می‌کنند. مورد دوم، مجسمه یافت شده از تمدن سومر است؛ «پیکره کاملاً، برهنه را نشان می‌دهد» (تصویر ۱). به نظر می‌رسد نواری دور پیشانی او بسته‌شده و دو بازویش روی سینه به‌گونه‌ای قرار گرفته که گویی آنچه‌ها به یک‌دیگر بسته‌شده و پاهایش تنها توسط یک شیار عمودی در وسط از یک‌دیگر جدا شده‌اند. در خاور باستان فقط اسرا را برهنه ترسیم می‌کردند» (مورتگات، ۱۳۷۷: ۶-۷).



تصویر ۱- دو اسیر برهنه (مورتگات، ۱۳۷۷: ۶-۷).

پیکره دیگری از این دست «نیم‌تنه فوقانی زنی برهنه با سینه‌های بزرگ، صورت گوستالود و بینی عقابی است» (تصویر ۲)، که زن اسیری را نشان می‌دهد» (همان).

یکی از برجسته‌ترین بازنمودهای هنری خشونت را می‌توان در استل^۵ کرکس‌ها مشاهده کرد (تصاویر ۵). این لوح از خرابه‌های شهر لاگاش کشف شده است که نبرد سربازان لاگاش به فرماندهی ایناتوم^۶ را با سربازان شهر «اوما» نشان می‌دهد. «این الواح به واسطه تصویری که در یکی از آن‌ها کرکس‌ها در حال حمله به تکه‌های اجساد دشمنان دیده می‌شوند، به یادمان کرکس‌ها معروف شده است» (محمدپناه، ۱۳۸۸: ۲۹).



تصویر ۲- اسیر زن (همان).

این پیکره به خودی خود نشان می‌دهد که خشونت در مورد زنان نیز اعمال می‌شده است؛ اگرچه ممکن است بازنمود هنری کم‌رنگ‌تری نسبت به دیگر خشونت‌های موجود در جامعه داشته باشد. مورد بعدی (تصویر ۳)، سنگ یادبود شکار شیر مربوط به هزاره سوم ق. م. است. «نقش برجسته‌ای از جنس بازالت با دو نقش انسان با ریش که در حال جدال با یک شیر بوده و نیزه خود را به سینه شیر فرو برده است و در نقش زیرین مرد دیگری با همان مشخصات درحالی که با تیر و کمان به طرف دو شیر در حال حمله تیراندازی می‌کند، نقش شده است» (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۰۲).



تصویر ۵- سنگ یادبود کرکس‌ها، پاریس، نیمه اول هزاره سوم ق. م.، پاریس (پارو، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

این استل (سنگ یادبود) یادمان یک جنگ تاریخی است؛ که در قسمتی از آن، ردیف سربازان با نیزه‌های بلند و سپر دیده می‌شوند؛ و در قسمتی دیگر، آن‌ها در نبرد پیروز شده‌اند؛ و در روایت بعد «آن‌ها مشغول جمع‌آوری اجساد در میدان جنگ و تدارک مراسم تدفین برای آن‌ها هستند. همه اجساد به صورت یک پشته جمع‌آوری و روی آن‌ها با خاک پوشانده شده است و مراسم قربانی اجرا می‌شود. روایت بعد صحنه اسیران بازمانده جنگ است که با سرهای تراشیده در یک تور دیده می‌شوند. این استل یادبود عملیات جنگی پیروز است که جنبه مذهبی دارد؛ پیروزی **اوناتم** تنها با حمایت خدایان امکان‌پذیر بوده است (Parrot, 1960: 136). آنچه در مورد این استل اهمیت دارد، این موضوع است که، این روایت در دو بخش تصویر شده است؛ بخش اول، جنگ، کشتار و اسیران و بخش دوم، «نین گیرسو خدای لاگاش با حضور قدرتمندش تمام صحنه را در اختیار دارد؛ او با دست راستش گریزی را به توری - که دشمنان در آن اسیر هستند - فرو می‌برد؛ درحالی که، تور و نماد خدایانه اش - عقابی که در چنگالش دو شیر را نگه می‌دارد - در دست چپ او قرار گرفته‌اند» (پارو، ۱۳۹۱: ۶۹). هیکل تنومند این الهه و لایه‌های چربی را - که زیر بغلش جمع شده - می‌توان مشاهده کرد. در بیش‌تر آثار وضعیت ظاهری افراد، به‌ویژه پادشاهان در آثار هنری به‌گونه‌ای ترسیم شده که در عضلات آن‌ها



تصویر ۳- اوروک - یادبود شکار شیر، اوایل هزاره سوم ق. م.، بغداد (پارو، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

باید خاطر نشان کرد که «این سنگ یادبود، به‌عنوان نخستین نقش برجسته تاریخی، در ردیف نخستین آثاری است که نبرد انسان و حیوان را به تصویر می‌کشد (پارو، ۱۳۹۱: ۱۰۹). از نیمه اول هزاره سوم، نقش برجسته دیگری به‌جامانده است (تصویر ۴)، که شیر را در حال حمله به گوزن نشان می‌دهد (همان: ۱۶۶).



تصویر ۴- کیش - شیر در حال حمله به گوزن، نیمه اول هزاره سوم، بغداد (پارو، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

اغراق شده و خشونت از اندام آن‌ها می‌بارد؛ اگرچه این ویژگی بیش‌تر در مورد آثار آشوریان صدق می‌کند. مورد بعدی درفش سلطنتی از شهر باستانی اور است (تصویر-۶)؛ بر روی چهار صفحه این قاب، نقوش مرصع‌کاری شده‌ای از سنگ‌های تزیینی دیده می‌شود. تصویر متفاوت از مراسم جنگ و صلح به نمایش درآمده است. نقش رژه سربازان نیزه‌دار و زره‌پوش و نبرد سربازان سوار بر ارابه‌های جنگی در حال تار و مار کردن دشمن (محمد پناه، ۱۳۸۸: ۳۴).



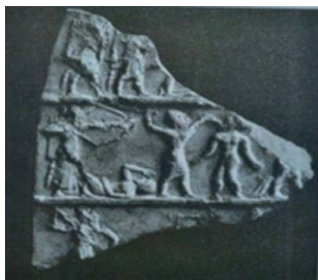
تصویر ۶- الف) درفش اور، نیمه رزمی، نیمه اول هزاره سوم ق.م، لندن (پارو، ۱۳۹۱: ۱۸۰).



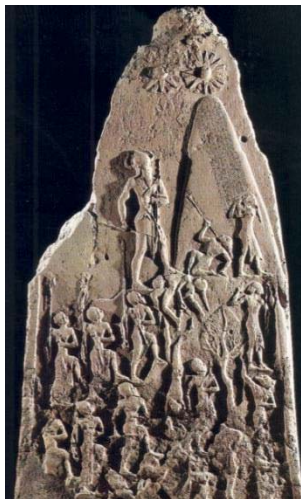
تصویر ۶- ب) بخشی از درفش اور (همان).

حساسیت و خلاقیت از مشخصات آن هستند- خشکی هنر سومر را تخفیف می‌بخشد» (همان). پیش از هر چیز در مورد آثار هنری اکد، باید این نکته را به خاطر داشت که، «امپراتور اکد از هنر به صورت ابزار تبلیغاتی برای سلطنت خویش بهره می‌جسته است» (آژند، ۱۳۹۰: ۳۱۸).

آثار هنری مورد نظر این پژوهش در این دوران، شامل سه قطعه سنگ دیوریت به دست آمده از شوش است که، «استل بزرگ و تصویر ساراگن با کتیبه‌ای با عنوان شاه ساراگن در مقابل پیکره‌ای در بخش تحتانی ثبت شده است. رویدادهای این فتح در بخش‌های گوناگون گزارش می‌شوند. در بخش تحتانی، ساراگن در راس شماری از درباریان در حال پیشروی است؛ در حالی که در بخش فوقانی، سربازان به جان اسیران افتاده‌اند و در حال قتل‌عام آن‌ها هستند» (استیل، ۱۳۹۰: ۲۱۹).



تصویر ۷- تلو- سنگ یادبود ریموش، پاریس (پارو، ۱۳۹۱: ۲۰۸).



تصویر ۸- بخشی از سنگ یادبود نارامسین نیمه دوم هزاره سوم ق.م، پاریس (همان: ۲۱۱)

در این دوران بیش‌تر وقایع جنگی در قالب سنگ یادبود در محل واقعه ثبت می‌شوند. یکی از این سنگ یادبودها، از جنس ماسه است؛ که پیروزی نارامسین^۹ چهارمین پادشاه اکدی را بر لولوبی‌ها^{۱۰} به نمایش

این اثر به زیبایی «دو جنبه مکمل وجود را به تصویر می‌کشد؛ وجه تیره و وجه روشن زندگی؛ یکی جنگ و دیگری صلح و زمانی که اولی با موفقیت به پیروزی ختم می‌شود، لذت از صلح کامل می‌شود. در این اثر مضمون جنگ با اهمیت‌تر از استل کرکس‌ها بازنمایی شده است» (Parrot, 1960: 144, 146).

در این اثر برای اولین بار، صحنه جنگ با ارابه تصویر شده است، ارابه‌ها را باز نموده‌اند و نیزه‌داران به دنبال آن‌ها وارد معرکه می‌شوند. آن‌ها رداهای چرمین مزین به سر میخ را به عنوان پوششی محافظتی به تن دارند و گروه اسرای جنگی را پیش می‌رانند. اسرای جنگی به سمت پادشاه رانده می‌شدند که به علامت پایان پذیرفتن جنگ از ارابه پایین آمده است (پارو، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

فارغ از رویدادهای سیاسی مختلف و جنگ‌های پی‌درپی، بالاخره، به دورانی می‌رسیم که، «ساراگن^۷ اکدی افسری سامی نژاد، حکمرانی لوگال زاگری^۸ سومری را به پایان می‌رساند و سلسله جدیدی را بنیان‌گذاری می‌کند که تقریباً، دو قرن بر اریکه قدرت می‌ماند» (همان: ۲۲۹). پارو در کتاب سومر و اکد خود بیان می‌کند که، «تغییرات سیاسی موجب وقفه هنری نمی‌شود؛ بلکه حالات خاص سامی - که

می‌گذارد (تصویر ۸-). در این سنگ یادبود «پانزده نفر به تصویر درآمده‌اند که مشابه دو لشکر روبه روی هم قرار گرفته‌اند. محل وقوع این صحنه در کوهستان جنگلی سرزمین لولوبی است. شاه از سایر جنگ‌جویان بزرگ‌تر نشان داده شده است. در ردیف اول، جنگ‌جویان اکدی پیش می‌روند. پای او بر پیکره درهم‌تنیده دو کشته قرار دارد. در حالی که، کشته دیگری از صخره‌ها در حال سقوط است. در یک‌دست، کمان و در دست دیگر، کلاه شاخ‌دار و ملبس به لباس همانند شاه خدا به پای کوهی رسیده که به شکلی جسورانه و نمادین تصویر گشته است» (پارو، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

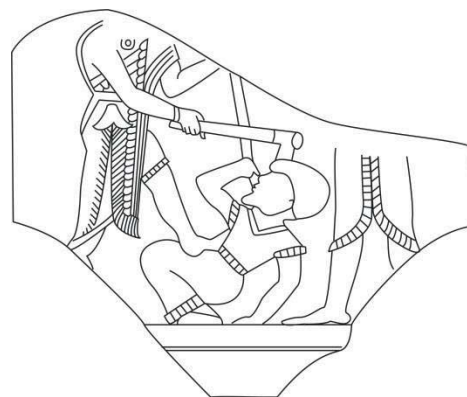
از این دوران تکه سنگ‌هایی نیز به‌جامانده است که به‌نوعی خشونت را بازنمایی می‌کنند (تصاویر ۹-۱۰).



تصویر ۹- قطعه‌ای از یک ظرف با نقش اسیر (پارو، ۱۳۹۱: ۲۲۵).



تصویر ۱۰- صحنه جنگ، شوش، آغاز هزاره دوم ق.م. پاریس (همان: ۲۸۶).



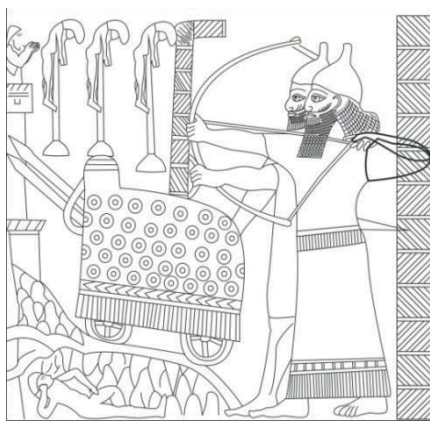
طرح خطی تصویر ۱۰

یکی از تمدن‌های مهم دیگر بین‌النهرین، حکومت آشور است که از آن، به‌عنوان خشن‌ترین تمدن باستانی یاد می‌کنند. آثار هنری به‌جامانده از هنر آشور نیز گویای صحت این موضوع است. در میان آثار هنری آشوریان، یادبودهای جنگی زیادی به چشم می‌خورد؛ که نماینده پیروزی پادشاهان است. البته، مضامین دیگری از قبیل شکار حیوانات و گاهی، خشونت‌های اجتماعی اعمال‌شده بر مردمان را می‌توان مشاهده کرد. در تمدن آشور، علاوه بر معرفی آثار با محتوای خشونت، ناگزیر به بیان جلوه‌هایی از خشونت حاکم بر جامعه نیز هستیم؛ از جمله قوانین و مجازات‌های خشن و کتبی‌های به‌جامانده که یادبودی از خشونت‌های اعمال‌شده بر مردم، بردگان و ساکنین شهرهای دشمن می‌باشند. برای مثال می‌توان از کتبی‌های یادکرد که در آن سناخریب^{۱۱} یکی از پادشاهان آشور چنین می‌گوید: «هم‌چنان که گردباد برمی‌خیزد، من به بابل حمله کردم و مانند طوفان آن را سرنگون ساختم. ساکنان آن را از پیر و جوان نبخشیدم و با لاشه‌هایشان کوچه‌های شهر را انباشتم. شهر و رودخانه‌های آن را از پی تا بام ویران کردم؛ پس آن را آتش زدم و سوزاندم برای این‌که در آینده حتی خاک معابدش به فراموشی سپرده شود؛ شهر را به آب بستم و به‌صورت چراگاه درآوردم. برای این‌که قلب آشور خدای خودم را - که همه اقوام باید در برابر قدرت بی‌همتایش سر تعظیم فرود آورد- تشفی دهم؛ گرد و غبار بابل را به دورترین نقاط راندم و کوزه محتوای این خاک را در معبد جشن سال نو در آشور نهادم» (رو، ۱۳۸۱: ۳۵۶). از این قبیل کتبی‌ها در تمدن آشور زیاد بوده است. «دو سند که نمونه‌های زیادی از آن در دوره‌های جدیدتر وجود دارد، اطلاعات غم‌انگیزی درباره روحیه و نهادهای آشوری در دوران آشور میانی به دست می‌دهد؛ که در زمان آشور اوبلیط اول آغاز شد. این قوانین اطلاعات فرهنگی بسیاری را در مورد خشونت و درنده‌خویی بی‌حساب نهفته در آن‌ها به دست می‌دهد که در دوران امپراتوری آشور چهره زشت به گزارش‌های سالانه می‌دهد. جرایم سنگین، بیگاری، تنبیه سخت بدنی و قطع هولناک اعضای بدن... تقریباً، هر جرمی درباره زنان و مردان به‌طور یک‌سان اعمال می‌شده است» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۰۷). برای نمونه یکی از قوانینی که در مورد اطبا اعمال می‌شده، از این قرار است: «اگر جراحی خسارت فاحشی به مریض وارد می‌آورد، معین می‌شد که دست او را قطع کنند؛ و یا اگر فرزند شخصی بزرگ را هلاک سازد پسر جراح را

به‌عوض باید به قتل می‌رساندند» (لازار، ۱۳۸۷: ۱۱۰). یکی دیگر از مجازات‌های عجیب دربار آشور «مجازات مطرح کردن ادعایی نادرست بود. گاهی ممکن بود طرف خاطی به پرداخت شماری اسب به یکی از خدایان، سوزاندن پسر ارشد یا حتی بلعیدن مقدار زیادی پشم محکوم شود» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۲۴). موارد مذکور به‌عنوان شاهدانی از خشونت‌های اعمال‌شده در جامعه کافی به نظر می‌رسد. حال می‌پردازیم به آثار هنری به‌جامانده از این تمدن، که جلوه‌هایی از خشونت را در خود دارند. برای کوتاهی سخن، به معرفی آثار اکتفا می‌کنیم و مختصر توضیحی در مورد آثار مهم‌تر داده خواهد شد.



تصویر ۱۲- تیگلات پیلسر سوم، حمله به شهر (Curtis & Reade, 1995: 61).



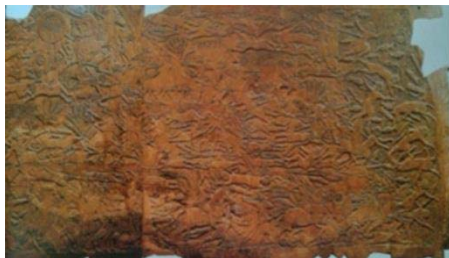
طرح خطی تصویر ۱۲



تصویر ۱۱- شیر محضرت (Curtis & Reade, 1995: 88).

در مورد شکار شیر (تصویر ۱۱)، در تمدن بین‌النهرین باید یادآور شد که، «شکار شیر یکی از ویژگی‌های بین‌النهرین است، شاه روی در روی شیر قرار می‌گیرد و شیر معرف نیروهای وحشی طبیعی است؛ که شاه وظیفه کنترل آن‌ها را به عهده دارد و تنها فرد شایسته برای این موضوع شخص شاه است» (Ibid: 51).

از این آثار که بگذریم، نوبت به بیان بیش‌ترین مضمونی است که خشونت را در خود جا داده است، «جنگ» و از آثار هنری به‌جای مانده کاملاً روشن است که آشوریان به آن می‌بالیدند. قبل از معرفی آثار هنری، لازم به ذکر است که آشوریان، علاوه بر تاکتیک‌های جنگی معمول از جنگ روانی نیز بهره می‌گرفتند. «اگر چنانچه دشمن از تسلیم صلح‌آمیز خودداری می‌ورزید، تاکتیک‌های آشوریان به‌طور چشم‌گیری تغییر می‌کرد. آن‌ها یک یا چند شهر را برای حمله‌ای سخت برمی‌گزیدند و پس از پیروزی، جمعیت آن‌ها را با بی‌رحمی تمام به‌گونه‌ای مثله و قتل‌عام می‌کردند؛ پوست‌کنده شده بدن‌ها را به‌گونه‌ای موثر به نمایش می‌گذاشتند» (تصویر ۱۲)؛ و اجساد را از تیرهای چوبی می‌آویختند. هنگامی که مردم تحت محاصره، از این اعمال آگاه می‌شدند، بدون کوچک‌ترین مقاومتی تسلیم می‌شدند» (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۳۰). این قبیل آثار



تصویر ۱۳- نقش برجسته جنگ آشوربانی پالی علیه پادشاه عیلام کاخ سناخریب در نینوا، موزه بریتانیا و لندن (Curtis & Reade, 1995: 75).

بالاخره بزرگ‌ترین نقش از یک نبرد تاریخی بین آشوربانی‌پال^{۱۳} و عیلامیان «این بزرگ‌ترین نقش برجسته از هنر آشور است» (تصویر ۱۳). آشوریان از سمت چپ در حال حمله هستند، جایی که عیلامیان روی یک تپه قرار دارند. دو لشکر توسط سلاح‌هایشان از یک‌دیگر بازشناخته می‌شوند. سواره‌نظام آشور با کلاه‌خود و زره پولک‌دار بالای کمر بند، در حال حمل نیزه و سپر و عیلامیان سپاه کماندار و نوارهایی بسته‌شده در پشت سر تصویر شده‌اند»

(73: Curtis&Reade, 1995). مجموع این نقش و گاو مردهای کاخ نینوا محیط وحشت انگیزی فراهم کرده بود تا وارد شوندگان را به وحشت اندازد. بابل چهارمین تمدن بین‌النهرین است که در سایه قوانین پادشاه مقتدر خود «حمورابی»^{۱۴} وضعیت فرهنگی نسبتاً بهتری از تمدن‌های قبل از خود دارد» (استیل، ۱۳۹۰: ۱۰۷). مجیدزاده در جلد دوم کتاب خود، شرح کاملی از قوانین حمورابی آورده است که در زیر تعدادی را - که ارتباط تنگاتنگی با محتوای این مقاله دارند- بیان می‌کنیم.

-هرگاه برده‌ای به اربابش بگوید: تو صاحب من نیستی، ارباب باید آن را به برده‌اش ثابت کند و بعد گوشش را ببرد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۵۸)؛ -هرگاه زن به شوهر خود می‌گفت تو دیگر شوهر من نیستی، مأموران دولت موظف بودند که زن را طناب‌پیچ کنند و در رود فرات بیندازند تا غرق شود (همان: ۵۷)؛ -برعکس عملکرد در دوره‌های پیشین، شوهر نمی‌توانست همسر خود را به وثیقه بگذارد. آزاد مردان حق داشتند، فرزندان خویش را به گروگان بگذارند؛ در چنان وثیقه‌هایی گروگان‌ها پس از بازپرداخت کامل وام و بهره آن از طریق کار رایگان، آزادی کامل خویش را از بستانکار به دست می‌آوردند (همان: ۵۹). از این دست قوانین - که منجر به قطع عضو، مرگ، سوزاندن و غرق شدن در رود می‌شود- در قوانین حمورابی زیاد به چشم می‌خورد؛ «البته، باید خاطرنشان کرد که مجموعه قوانین علاقه فراوان او را به دادگستری آشکار می‌سازند که خشونت بی‌رحمانه در اجرای مجازات را تا حدود زیادی تعدیل کرده است» (رو، ۱۳۸۱: ۲۰۴). به‌طور کلی، «دژخیمان پیوسته سرگرم انجام وظیفه مهیب خود بودند. آن‌ها می‌بایست تبهکاران را به مجازات‌های وحشیانه مانند به دار کشیدن، زنده در آتش سوزاندن، حتی به چهارمیخ کشیدن برسانند. این مجازات‌های سنگین، همیشه، برای قصاص کردن نبود؛ بلکه خطایی مانند دزدی، نادرستی در کار خرید و فروش و حتی بی‌توجهی در بنای ساختمان را نیز دربرمی‌گرفت. مجازات‌های سبک‌تر عبارت بود از تنزل به بردگی، داغ کردن، تازیانه زدن با پوست نر گاو درملاعام (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۳۵).

در مورد تمدن بابل باید خاطرنشان کرد که اثر هنری برجسته‌ای از خشونت حاکم بر جامعه بر جای نمانده است؛ و این خود می‌تواند شاهد این ادعا باشد که، «هرچند ممکن است قوانین حمورابی گاهی، در نظر افکار متمدن بی‌رحمانه جلوه کند، بسیاری از آن‌ها

نزدیک به عقاید جدید درباره دادگستری است؛ به‌ویژه، قوانین خانواده و مالکیت که تلاش فراوانی در حمایت زنان و کودکان در برابر رفتار خودسرانه فقر و سهل‌انگاری در انجام دادن وظیفه به کار می‌برد و هرچند مجازات‌های این بخش بی‌اندازه شدید است، اجرای آن‌ها با اجازه عفو و علل مخففه سبک و ملایم می‌شود» (رو، ۱۳۸۱: ۲۰۴).

نتیجه‌گیری

بر اساس آثار هنری مطرح‌شده در این پژوهش - که البته، نماینده کوچکی از آثار باقی‌مانده از تمدن بین‌النهرین هستند- می‌توان نتیجه گرفت که یکی از مضامین پر رنگ در آثار هنری بین‌النهرین «خشونت» است؛ و این مضمون به انواع گوناگون در آثار قابل‌مشاهده است. بر اساس مطالعات انجام‌گرفته، این بازنمود هنری خشونت در آثار، نمایانگر خشونت‌های موجود در جامعه بین‌النهرین است؛ که به‌طور مستقیم از متن جامعه نشأت گرفته است. بر اساس آنچه از آثار به دست آمد، خشونت موجود در تمدن بین‌النهرین را می‌توان به انواع زیر طبقه‌بندی کرد:

-خشونت علیه حیوانات (صحنه‌های شکار در آثار هنری)؛
-خشونت‌های اجتماعی (مانند قوانین خشن، خشونت علیه برده‌ها و ساکنین شهرهای دشمن)؛
-خشونت‌های جنگی؛

-خشونت‌های روانی (اقرار به کشتار مغرورانه پادشاهان، تحریک روانی ساکنین شهرهای محصورشده و ...). نکته قابل ذکر درباره خشونت‌های روانی بیان این موضوع است که منظور از این‌گونه خشونت‌ها آن دست از خشونت‌هایی است که به شکلی جنون‌آمیز توسط شاهان در کتیبه‌ها بیان شده است و پادشاهان کشتار، قتل و خونریزی خود را باافتخار و لذت از طریق کتیبه‌ها جاودانه کرده‌اند و برای نسل‌های آینده به‌جا گذاشته‌اند.

اکنون پاسخ به این پرسش که: کدامیک از خشونت‌های موجود بازنمود هنری داشته‌اند و علت این بازنمود هنری چیست؟

بر اساس اطلاعات موجود خشونت علیه حیوانات و خشونت‌های جنگی بازنمود هنری پر رنگ‌تری دارند حال آن‌که خشونت‌های اجتماعی جز تعداد معدودی در مورد برده‌ها، تقریباً هیچ بازنمود هنری ندارند و فقط در متن جامعه قابل‌لمس بوده‌اند البته می‌شود این‌طور استنباط کرد که اگرچه خشونت‌های اجتماعی در

قوانین موجود بوده‌اند اما به آن شدت تحقق پیدا نمی‌کرده‌اند و گه‌گاه با شرایطی مانند جریمه نقدی از شدت آن‌ها کاسته می‌شده است. آنچه باعث باز نمود هنری قوی خشونت‌های جنگی می‌شده است، اعتقادات مذهبی موجود در تمدن بین‌النهرین است. پادشاهان جنگ را به‌عنوان نوعی جهاد مذهبی در دفاع از خدایان و شهر می‌پنداشتند و در راستای تحقق پیروزی بر دشمنان (نیروهای پلید و شر) از هیچ کاری ابا نداشته‌اند. بنابراین یک چنین پیروزی را با اقتدار کامل در آثار هنری ثبت می‌کردند و به آن می‌بالیدند. بنا بر آنچه ما از قول سازمان سلامت و بهداشت جهانی در مورد خشونت‌های گروهی مطرح کردیم، خشونت‌های گروهی می‌توانند عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند که ما نیز در بررسی آثار تمدن بین‌النهرین به همین نتیجه رسیده‌ایم. خشونت‌های جنگی، نوعی خشونت گروهی تلقی می‌شوند که به بهانه‌های مذهبی و اعتقادی و باریشه سیاسی، اعمال می‌شده است.

تشکر و قدردانی

با تشکر از استاد گرانقدرم دکتر ابوالقاسم دادور که راهنمایی ایشان کمک بسیار بزرگی در جهت شکل‌گیری این مقاله بود.

پی‌نوشت

^۱ مزوپوتامیای (Mesopotamia)، یونانیان بین‌النهرین را به این نام می‌خواندند.

^۲ Violence.

^۳ خورشید، طوفان، حاصل‌خیزی، آب‌های گوارا.

^۴ Tammuz.

^۵ Stele.

^۶ نام پادشاه لاگاش.

^۷ ساراگن اکدی (۲۲۷۹-۲۳۳۴) شاروم کین، نخستین امپراتوری جهان، اکد را بنا نهاد. نفوذ او سومر را تحت الشعاع قرار داد و تا مدیترانه گسترش یافت.

^۸ آخرین پادشاه تمدن سومر.

^۹ نارامسین (۲۲۱۸-۲۲۵۴ ق.م)، نوه ساراگن اکدی، جنگجو و قوی‌ترین فرمانروای امپراتوری اکدی که ادعای خدایی داشت.

^{۱۰} لولوبی، از اقوام ایرانی.

^{۱۱} سناخریب (پادشاه آشوری ۶۸۱-۷۰۴ ق.م)، شهر نینوا را حدود ۷۰۰ ق.م، وسیع‌تر از گذشته بنا کرد.

^{۱۲} تیگلات پیلسر سوم (۷۲۷-۷۴۵ ق.م)، پادشاه و فرمانده نظامی، حکومت آشور را گسترش داد.

^{۱۳} آشورنابی‌پال (۶۲۷-۶۶۸ ق.م)، آخرین شاه بزرگ آشور، از حدود ۶۶۹ ق.م، در نینوا حکومت می‌کرد و کتاب‌خانه قابل توجهی تاسیس کرد.

^{۱۴} حمورابی (۱۷۵۰-۱۷۹۲ ق.م)، حمورابی در سال ۱۷۹۲ ق.م، بر تخت بابل نشست؛ نخستین امپراتوری بابلی را بنا نهاد و قوانین فراگیرش

قدیمی‌ترین قوانین به جا مانده به حساب می‌آیند (استیل، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

منابع

آژند، یعقوب (۱۳۹۰). *تاریخ هنر باستان*، تهران: سمت. استیرن، فرانسوا (۱۳۸۱). *خشونت و قدرت*، ترجمه بهنام جعفری، تهران: کتاب جمهوری.

استیل، فیلیپ (۱۳۹۰). *تاریخ فرهنگ و تمدن بین‌النهرین*، ترجمه محمدصادق شریعتی، تهران: سبزان.

اشمیت، کارل؛ آگامبن، جورجو؛ بنیامین، والتر و... (۱۳۹۲). *گزیده مقالات قانون و خشونت*، ویراستاران صالح نجفی، امید مهرگان و مراد فرهادپور، چ. دوم، تهران: رخ داد نو.

افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). *خشونت و جامعه*، تهران: سفیر. انصاری، جمال (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی ایران و جهان*، تهران: سبحان نور.

پارو، آندره (۱۳۹۱). *سومر و اکد*، ترجمه محمدرحیم صراف و منیژه ابکائی خاوری، تهران: سمت. رو، ژرژ (۱۳۸۱). *سرگذشت عراق باستان*، ترجمه عبدالرضا مهدوی، تهران: پیکان.

رو، ژرژ (۱۳۹۰). *تاریخ عراق قدیم*، ترجمه ابوالفضل علیزاده طباطبایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سازمان بهداشت جهانی ژنو (۱۳۸۶). *گزارش جهانی خشونت و سلامت*، ترجمه جمشید کرمانچی، شهرام رفیعی‌فر و مامک افتخاری، تهران: تندیس.

سفیری، مسعود (۱۳۷۹). *کالبدشناسی خشونت*، تهران: نی.

کرافورد، هریت (۱۳۸۷). *سومر و سومریان*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت.

لازار، ب. به (۱۳۸۷). *تاریخ آشور*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۰). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، جلد ۲ و ۳، تهران: نشر دانشگاهی.

محمدپناه، بهنام (۱۳۸۸). *اسرار تمدن‌های باستانی (بین‌النهرین)*، تهران: سبزان.

مورتگات، آنتوان (۱۳۷۷). *هنر بین‌النهرین باستان*، ترجمه زهرا باستی و محمد رحیم صراف، تهران: سمت.

نجفی پور، فرشاد (۱۳۸۶). *حشم و خشونت*، تهران: نسل نواندیش.

References

Ansari, J. (2008). *Archaeology of Iran and the World*, Tehran: Sobhane Noor (Text in Persian).

Carl, S., Agamben, G., Walter, B. etc. (2013). Excerpts from Law and Violence Articles, Edited by Saleh Najafi, Omid Mehregan and Morad Farhadpour, (2nd Ed.), Tehran: Rokhdade No (Text in Persian).

Azhand, Y. (2011). *Ancient Art History*, Tehran: Samt (Text in Persian).

Crawford, H. (2008). *Sumer and the Sumerians*, Translated by Zahra Basti, Tehran: Samt (Text in Persian).

- Eftekhari, A. (2000). *Violence and Society*, Tehran: Safir (Text in Persian).
- Curtis, J. E., Reade, J. E. (1995). *Art & Empire*. London: British Museum Press.
- Lazar, B. (2008). *Assyrian History*, Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran (Text in Persian).
- Majidzadeh, Y. (2001). *History and Culture of Mesopotamia*, Tehran: Nashre Daneshgahi (Text in Persian).
- Mohammad Panah, B. (2009). *Ancient World*, Tehran: Sabzan (Text in Persian).
- Moortgat, A. (1998). *The Art of Ancient Mesopotamia; The Classical Art of Near East*, Translated by Zahra Basti and Mohammad Rahim Sarraf, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Parrot, A. (1960). *Art of Mankind*, London: Thames & Hudson.
- Parrot, A. (2012). *Sumer: Die Mesopotamische Kunst von den Anfängen bis zum XII*, Translated by Mohammad Saraf & Manizhe Ghaderi, Tehran: Samt (Text in Persian).
- Najafipour, F. (2007). *Anger and Violence*, Tehran: Naslenowandish (Text in Persian).
- Roux, G. (2002). *Ancient Iraq*, Translated by Abdolreza Mahdavi. Tehran: Peykan (Text in Persian).
- Roux, G. (2011). *Ancient Iraq*, Translated by Abolfazl Alizade Tabatabai, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies (Text in Persian).
- Safari, M. (2000). *Anatomy of Violence*, Tehran: Ney (Text in Persian).
- Stirn, F. (2002). *Violence et Pouvoir*, Translated by Behnam Jafari, Tehran: Ketabe Jomhour (Text in Persian).
- Steele, Ph. (2007). *Eyewitness Mesopotamia*. Mohammad Sadeghi Shariati, Tehran: Sabzan (Text in Persian).
- World Health Organization. (2006). *Global Report of Violence and Health*, Translated by Jamshid Kermanchi, Shahram Rafieifar and Mamak Eftekhari, Tehran: Tandis (Text in Persian).

Representation of Violence in the Visual Works of Mesopotamia¹

Z. Mirabian²
A. Dadvar³

Received: 2015-09-14
Accepted: 2017-09-23

Abstract

Art and expression are intertwined. Art has consistently represented the conditions of the society in which it has been formed, and today, what mankind knows about the past societies is largely based on the works of art from each civilization. Exploring works of art is of particular importance, acquainting us with the identity of past societies. It can be said that the remnants of any civilization represent its identity, mood, prevailing social conditions, laws and traditions. Among the variety of themes, the theme this article is looking for is ethics in the works of art in Mesopotamia. As ethics encompasses a wide range of areas, and it is impossible to study this general concept in works of art; so, among the many dimensions of good or bad morals, we have considered violence. First, today's definition of violence is discussed, and then, what was called violence in Mesopotamian civilization is studied. In the present paper, the visual works of Mesopotamian civilization have been studied. Although we take a look at all periods, in fact the emphasis will be on the periods more closely related to the theme of violence which their works represent, although symbolically, violence. What is certain is that it will be impossible to analyze works of art without studying the social, cultural, and religious contexts of society, but since the breadth of Mesopotamian civilization prevents us from discussing the details of kings and the social conditions of society of that timeless civilization, we have just concentrated on the evidence directly related to the theme of this article. The main concern of the present article is the current definition of violence, the definition of what had been called violence in Mesopotamian society, and the study of the works remained from this ancient civilization with the theme of violence. It is noteworthy that all the themes of violence have been examined, including violence against animals. Examining the instances of violence in Mesopotamian society and their representation in their works of art leads to the logical classification of violence in Mesopotamian society and how it is represented in that society. In the present article, which is based on descriptive-analytical method and documentary data, questions have been answered such as: Can the existing violence in Mesopotamian civilization be classified? And which of the violence types existing in Mesopotamian society has an artistic representation, and why? By examining the works of art studied in this article, as a small representative of the remaining works of Mesopotamian civilization, it can be concluded that one of the most colorful themes in the works of art in this civilization is violence, and this theme can be seen in different forms in works of art. What is certain is that the representation of violence in the works of art reflects the violence in Mesopotamian society, which stems directly from the context of society. Based on the results from the study of these works, the violence in Mesopotamian civilization can be classified into the following types:

- Violence against animals (hunting scenes in works of art)
- Social violence (including: violent laws, violence against slaves and residents of enemy cities)
- War violence
- Psychological violence (confession to the arrogant killings by kings, psychological stimulation of the inhabitants of the besieged cities, etc.)

The point about psychological violence is that it refers to violence that is insantly described by kings in inscriptions, and that kings have proudly immortalized their killings, assassinations, and bloodshed through the inscriptions and perpetuated them for future generations.

Now we come to the answer of the question: which of the existing violence has had an artistic representation and why? By studying the works, it became clear that violence against animals and war violence had a more prominent artistic representation than any other types of violence. However, social violence had almost no artistic representation, except for a small number of slaves, and had only been palpable in society at the time. It can be inferred that although social violence existed in their laws, it had not been severely realized and had occasionally been modified by other conditions, such as fines. Religious beliefs in Mesopotamia are the main reason for the colorful representation of war violence. The kings considered war a kind of jihad against evil forces and did not hesitate to do anything to achieve victory. No surprise that they recorded their victories in the works of art with full authority. According to the World Health Organization on group violence, group violence can have social, economic, and political factors, and we have seen the same effect in the study of the works of Mesopotamian civilization. War violence is considered a form of group violence which was applied under religious and doctrinal pretexts and with real political motivations.

Keywords: Violence, Representation of Violence, Mesopotamian Art, Artistic Representation of Violence.

¹DOI: 10.22051/jjh.2017.6618.1003

The present paper is extracted from the M.A. Thesis of Z. Mirabian entitled: " Representation of Violence: Visual Motifs of Ancient Iran, Mesopotamia, Ancient Greece".

² Master of Arts Research, Faculty of Architecture and Art, Kashan University, Kashan, Iran, (Corresponding Author). mirabian.189@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Art Research, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran. ghadadvar@yahoo.com